



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و حکمت

عنوان:

معرفت شناسی ادراک از دیدگاه علوم شناختی و حکمت متعالیه

استاد راهنما:

دکتر اعلی تورانی

استاد مشاور:

دکتر سیدعباس موسوی

دانشجو

اله میرزاپور

بهمن ماه ۱۳۹۷

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به

دانشگاه الزهرا(س) است.

با تشکر و قدردانی از :

استاد راهنما ، جناب آقای دکتر تورانی و استاد مشاور جناب آقای دکتر موسوی که

در این پژوهش مرا یاری نمودند و نیز همسر عزیزم که در لحظه لحظه این تحقیق

همراه و همیارم بود.

بحث ادراک و معرفت از مسائل بسیار مهم فلسفی است که بخش قابل توجهی از مباحث فلسفه اسلامی، به ویژه فلسفه ملاصدرا را به خود اختصاص داده است. مسئله ادراک همواره یکی از جنجالی ترین مسائل فلسفی بوده و هست، ملاصدرا در این مسأله نیز نظریه‌ی خاص خودش را دارد. نظریه‌ی او از آراء مشهور فلاسفه (مشاء) گسترده تر و دقیق تر به نظر می‌رسد. وی منشأ همه‌ی ادراکات را عینیت خارجی، می‌داند که به محض ورود به ذهن انسان به درجه‌ای از تجدید می‌رسند. ذهن، که به نظر برخی از فلاسفه مانند ظرفی برای معلومات فرض می‌شود. در نظر ملاصدرا، چیزی نیست جز همان ادراکات و معلومات که نفس انسان با خلاقیت خاص خود آن را می‌آفریند. ملاصدرا را ادراکات کلی را (لقاء و وصول) تعریف می‌کند. و حقیقت ادراکات جزئی را عبارت از وجود مدرک (ادراک شونده) برای مدرک (ادراک کننده) به وجود صدوری نه حلولی می‌داند. همچنین علوم شناختی به عنوان یک حوزه مطالعاتی فرا رشته‌ای کارکردهای ذهن یا مغز که شامل: علوم اعصاب، روان شناسی زبان شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه ذهن می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهد. دانشمندان علوم شناختی، بر نقش ذهن در نظام ادراکی تأکید می‌کنند و ذهن انسان را شبکه‌ی پیچیده‌ای می‌دانند که اطلاعات را نگه داری و بازیابی می‌کند و می‌تواند آن را تغییر شکل یا انتقال می‌دهد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات.....	۱۱
مقدمه:.....	۱۲
۱-۱ طرح پژوهش:.....	۱۴
۱-۱-۱ مسئله پژوهش:.....	۱۴
۱-۲ فرضیه های پژوهش:.....	۱۵
۱-۳ روش تحقیق:.....	۱۶
۱-۴ پیشینه موضوع:.....	۱۶
۲-۱ ایضاح مفاهیم کلیدی.....	۱۷
۲-۱-۱ معرفت شناسی:.....	۱۷
۲-۲-۱ ادراک.....	۱۸
۲-۳-۱ مراتب ادراک:.....	۱۹
۱-۲-۳-۱ حس.....	۱۹
۱-۲-۳-۲ خیال.....	۲۰
۱-۲-۳-۳ وهم.....	۲۱
۱-۲-۳-۴ عقل.....	۲۱
۱-۲-۴ علوم شناختی.....	۲۱
۱-۲-۴-۱ دوفیلسوف غربی علوم شناختی و آثار آنها.....	۲۲
۱-۲-۵ ملاصدرا:.....	۲۳
۱-۲-۶ فلسفه ذهن.....	۲۴
فصل دوم: شناخت ادراک از دیدگاه حکمت متعالیه.....	۲۷

- ۲-۱ تعریف معرفت شناسی..... ۲۸
- ۲-۱-۱ تعریف معرفت..... ۲۹
- ۲-۱-۲ ارکان معرفت ۳۰
- ۲-۲ تعریف نفس ۳۰
- ۲-۲-۱ هویت نفس..... ۳۱
- ۲-۲-۲ قوای نفس..... ۳۱
- ۲-۳ تعریف ادراک..... ۳۲
- ۲-۳-۱ حقیقت ادراک و مراحل آن..... ۳۵
- ۲-۳-۲ نظریه ی ادراک و اقسام قوای ادراکی نفس..... ۳۸
- ۲-۳-۲-۱ نفس ناطقه..... ۵۱
- ۲-۴ نوآوری های مهم ملاصدرا در فلسفه معرفت وادراک..... ۵۳
- ۲-۵ فرایندهای شناختی بر زبان..... ۵۶
- ۲-۵-۱ علم و حصول شناخت نزد ملاصدرا..... ۵۷
- ۲-۵-۲ ماهیت زبان..... ۵۸
- ۲-۵-۳ هدف زبان..... ۶۰
- فصل سوم: شناخت ادراک از دیدگاه علوم شناختی..... ۶۳
- ۳-۱ تعریف علوم شناختی..... ۶۴
- ۳-۲ هدف علوم شناختی..... ۶۵
- ۳-۳ مهم ترین اصل علوم شناختی..... ۶۵
- ۳-۴ شاخه های علوم شناختی ۶۶
- ۳-۴-۱ علوم روان شناسی شناختی..... ۶۶
- ۳-۴-۱-۱ فنون و روش های برگرفته از روان شناسی تجربی..... ۶۷

- ۶۷..... ۳-۴-۱-۲ آزمون های عصب _ روان شناسی
- ۶۸..... ۳-۴-۱-۳ فنون و روش های ثبت پاسخ های بدنی.....
- ۶۸..... ۳-۴-۱-۴ فنون و روش های ثبت امواج مغزی.....
- ۶۹..... ۳-۴-۲ علوم اعصاب شناختی.....
- ۷۳..... ۳-۴-۲-۱ تضاد بین روان شناسی و علوم اعصاب.....
- ۷۶..... ۳-۴-۳ زبان شناسی شناختی.....
- ۷۹..... ۳-۴-۴ فلسفه ذهن.....
- ۸۲..... ۳-۴-۴-۱ علوم شناختی و شناخت ذهن.....
- ۸۵..... ۳-۵ برخی حوزه های کاربردی علوم شناختی.....
- ۸۵..... ۳-۵-۱ مداخله تشخیص درمانی.....
- ۸۶..... ۳-۵-۲ هوش مصنوعی.....
- ۹۰..... ۳-۵-۳ شناخت اجتماعی.....
- ۹۲..... ۳-۵-۴ آموزش پرورش شناختی.....
- ۹۴..... ۳-۶ تبیین امر شناخت انسان از نگاه دانشمندان علوم شناختی.....
- ۹۶..... ۳-۷ مسئله شناخت در علوم شناختی.....
- ۱۰۲..... فصل چهارم: بررسی مقایسه ای نظر ملاصدرا و علوم شناختی در شناخت ادراک
- ۱۰۳..... ۴-۱ مقایسه ی ملاصدرا و علوم شناختی در مبانی فلسفی.....
- ۱۰۳..... ۴-۲ مقایسه ی ملاصدرا و علوم شناختی در روش شناسی فلسفی.....
- ۱۰۳..... ۴-۳ مقایسه ی ملاصدرا و علوم شناختی در شناخت ادراک و ذهن.....
- ۱۰۳..... ۴-۳-۱ شباهت های ملاصدرا و علوم شناختی در زمینه ی شناخت ادراک
- ۱۰۴..... ۴-۳-۱-۱ بررسی تطبیقی مفهوم ذهن ذهن در اندیشه ی ملاصدرا و علوم شناختی.....

۲-۱-۳-۴ بررسی مفهوم وجود ملاصدرا و پیوندگرایی علوم شناختی.....	۱۰۸
۲-۳-۴ تفاوت های ملاصدرا و علوم شناختی در زمینه شناخت ادراک.....	۱۰۹
۱-۲-۳-۴ بررسی تطبیق مفهوم نفس در نظر ملاصدرا و علوم شناختی.....	۱۰۹
۴-۴ انتقادات به علوم شناختی.....	۱۱۰
۵-۴ پیشنهادات.....	۱۱۱
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۱۳

فصل اول

کلیات

مقدمه

مباحثی که در زمینه «معرفت» در فلسفه ما قبل اسلامی، اعم از فلسفه یونانی، فلسفه اسکندرانی، نوافلاطون و غیر آن مطرح بوده و پس از ترجمه متون فلسفی به دست فلاسفه مسلمان رسیده، بسیار محدود و اندک است. در نزد پیشینیان علم خاصی، به نام معرفت وجود نداشته است.

افلاطون تحقیقات درباره ی معرفت را در بخشی از مباحث خویش وارد کرده است که آنها را به نام دیالکتیک (جدل یا احتجاج) می خواند.

مهمترین مسائل معرفت که در فلسفه قدما دیده می شود، موضوعاتی است پیرامون صدق کلی معرفت، مسائلی مانند علاقه میان دو عامل ذاتی و موضوعی در معرفت و نقشی که موضوع درک شده و ذات درک کننده در عمل ادراک یا معرفت دارند و مسئله تحدید حدود و معرفت بشری و تعریف ماهیت و حقیقت تجربه خالص.

مسائلی چون نحوه پیدایش معرفت، میزان صحت معرفت، تجرد و هویت نفس و دسته بندی قوای آن به مدرک یا ذهن و غیر آن، دسته بندی های معلومات ذهنی به جزئی و کلی، و کلی به بدیهی و نظری، عمده ترین مسائل فلسفی معرفت است که در دوره ما قبل اسلامی مطرح بوده و به دست فلاسفه ی اسلامی رسیده است. فلاسفه ی اسلامی دوره پیش از ملاصدرا، تحقیق و جست و جو را در مسائل فوق ادامه دادند و علاوه بر حل بسیاری از مشکلات حل نشده، مطالب جدید فراوانی بر مباحث معرفت افزودند.

از مهمترین ابتکارات فلسفی ملاصدرا، نظریه ی اصالت وجود است که بسیاری از مسائل و ابهامات دوره قبل از ملاصدرا را حل کرده است. ابتکار فلسفی دیگر وی، نظریه ی حرکت جوهری است. همچنین، مبحث تقسیم علم به حضوری و حصولی، راه را برای یکی از مهمترین مسائل فلسفی معرفت در فلسفه ملاصدرا باز کرد، و آن مبحث اتحاد، عقل و عاقل و معقول است، اضافه بر آن مبنای بسیاری دیگر از مسائل معرفت شناسی در فلسفه ملاصدرا گردید. همچنین علوم شناختی هم که مجموعه ای از رشته های تخصصی و حوزه وسیعی از دانش است. ده ها سال است که در دنیا در زمینه علوم شناختی تحقیقات مفصل و پر هزینه ای انجام می شود. دانشمندان علوم شناختی به جای معرفی شاخه های مجزای دانش، که دقت نظر علوم شناختی با هم در تعامل اند، مجموعه ی آنها را همچون علمی واحد به نام علم شناخت معرفی می کند، که وظیفه اش توجیه علمی کارکردهای ذهن و مغز انسان است. آنها در این تلاش به ذهن و مغز و پدیده های

آن از منظر جداگانه ی فلسفی، روان شناختی، زبان شناختی، هوش مصنوعی، علوم اعصاب و فلسفه نگاه نمی کنند، بلکه علم شناخت را علمی یک پارچه تلقی می کند که نیاز به نظریه ی روش شناسی و ابزارهای خاص، برای تحقیق و بررسی علمی نحوه ی کار ذهن و مغز دارد.

در این تحقیق، در فصل اول ابتدا پیشینه بحث را در فلسفه اسلامی متذکر شدیم و نیز اهم احکام و قواعدی که فلاسفه در این موضوع بکار گرفته اند، سخن گفتیم.

در فصل دوم با تعیین نظریه ی ملاصدرا در باب شناخت ادراک و ذهن و مدرکات قوای نفس و... راه تحلیل نظراتش هموار شد .

در فصل سوم، در بحثی مبسوط، درباره ی نظریات و دیدگاههای دانشمندان علوم شناختی درباره ی ذهن و مغز آدمی بحث کرده ایم. اما مقایسه ی این دو فصل درباره ی ادراک و ذهن را در فصل چهارم ، نمودار شده ایم .

در این نوشتار سعی شد، به منابع دست اول مراجعه شود و حتی در حد بضاعت موجود از نسخ خطی و نزدیکتر به زمان تالیف استفاده شود.

۱-۱ طرح پژوهش

۱-۱-۱-۱ مساله پژوهش

معرفت شناسی و تبیین چگونگی ادراک و شناخت، از مسائلی است که در کانون توجه فیلسوفان و دانشمندان قرار گرفته و این دل مشغولی اصلی آنان به شمار می آید. در این خصوص از مهمترین مسائل قابل توجه، فعال یا غیر فعال بودن، دستگاه ادراک انسان در معرفت است. همچنین اجزاء گوناگون ادراک از جمله حواس، ذهن مغز و ... چه سهم و نقشی در ادراک دارند؟ در این حوزه فیلسوفان مسلمان از جمله ملاصدرا به این مسئله در چارچوب اثبات هستی که همان ذهنی است وارد می شود.

در بحث معرفت شناسی، از حوزه‌هایی که به طور تخصصی و علمی به ارائه نظرات و پژوهش‌هایی پرداخته‌اند، علوم شناختی است که تخصصاً در موضوع مطالعه علمی، ذهنی و شناخت به فعالیت می‌پردازد.

بحث‌هایی را در قابلیت شناختی موجودات زنده و مکانیسم‌های موثر در شناسایی و ... به طور جدی مورد بررسی قرار داده است.

در این مساله می‌خواهیم دیدگاه‌های معرفت شناسی را در هر یک از این موارد، مورد تبیین و بررسی قرار دهیم.

۱- تبیین علوم شناختی از معرفت شناسی ادراک چیست؟

۲- مولفه های ادراک در نظام معرفت شناسی حکمت متعالیه چیست؟

۳- وجه تمایز تشابه نظریه ی ادراکی حکمت متعالیه با علوم شناختی چیست؟

۱-۱-۲ فرضیه های پژوهش

۱. علوم شناختی یکی از دانش‌هایی است که از زیرمجموعه‌هایی مثل علم اعصاب، روانشناس، زبان شناسی و... تشکیل شده است. دانشمندان علوم شناختی بر نقش ذهن در نظام ادراکی تاکید دارند و ذهن انسان را شبکه پیچیده‌ای می‌دانند که اطلاعات را نگه داری و بازیابی می‌کند و می‌تواند آن را تغییر شکل یا انتقال دهد.

۲. از مشخصه های مهم نظریه ی ادراکی از نگاه ملاصدرا، قیام صدور ادراکات حسی و خیالی، مدرک واقعی بودن نفس و جنبه اعدادی داشتن بقیه قوای ادراکی است. صدرا در اینجا معتقد است در ادراکات حسی و خیالی، نفس مبدع و آفریننده این صور است و سپس با حرکت جوهری و استکمال خویش به مراتب بالای ادراک یعنی ادراک عقلی دست یافته و متحد با جوهر مفارق

عقلی به نام عقل های فعال می شود. همچنین صدرا بر آن است، مدرک واقعی، نفس است و سایر قوای ادراکی مثل مغز جنبه اعدادی دارد.

۳. برخلاف نظریه مشهور در علوم شناختی و قول حکما که برآنند که نفس در حین ادراک، منفعل است و یا مفهومی است که صور ادراکی در آن حلول می کنند، براساس نظریه ادراک ملاصدرا، نفس در جریان است و ادراک امری متغیر و فعال است که با حرکت جوهری و استکمال خویش به مراتب بالای ادراک دست می یابد.

۱-۱-۳ روش تحقیق

جمع آوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه ای در قلمرو کتابخانه ای در قلمرو کتاب های ملاصدرا و علوم شناختی و نیز کتب مرتبط با موضوع و مساله پژوهش است. روش به کار گرفته شده در این تحقیق، شیوه توصیفی-تحلیلی است. کارکرد این روش تحلیل و مقایسه به دور از جانبداری و در چارچوب نظریات ملاصدرا و علوم شناختی است.

۱-۱-۴ پیشینه موضوع

از جمله پایان نامه های، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷، دکتری تخصصی موضوع: معرفت شناسی در مکتب حکمت متعالیه. استاد راهنما: مهدی محقق. دانشجو: حامد محقق.

پایان نامه، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۹۰ < کارشناسی ارشد. موضوع: واقع نمایی، ادراک در دیدگاه ملاصدرا. استاد راهنما: محمد سعیدی مهر. دانشجو، مریم موسوی.

ولی در رساله حاضر، با توجه به اینکه معرفت شناسی امروز نقش مهمی در پیشرفت علم و پیش گیری از مشکلات روحی و ذهنی در اجتماع دارد و این علم و دانش علوم شناختی در غرب جدیداً

مطرح شده و ما به صورت مستقیم نظریه ای در حکمت متعالیه به دست نیاورده ایم درصدد برآمده ایم تا با نوشتن این رساله این مساله را تبیین کنیم.

۲-۱-۲ ایضاح مفاهیم کلیدی

شناخت ادراک و ذهن، از دغدغه های اصلی ملاصدرا و علوم شناختی می باشند. بنابراین تحقیق درباره ی قواعد و احکام و مفاهیم مورد استفاده آنها برای فهم چگونگی حصول به یقین، ضروری می باشد. از طرفی دیگر ما را در نیل به یافتن وجوه شباهت و تفاوت بین آنها یاری خواهد رساند.

۱-۲-۱-۱ معرفت شناسی

معرفت شناسی یا شناخت شناسی، علمی است که به مطالعه شناخت، امکان، شیوه ها، ابزارها، منابع و منافع و دیگر مباحث مربوط به آن و یا به بررسی شاخه های مختلف دانش بشری می پردازد. «علم» به عنوان یک حقیقت وجودی، از دو حیث مورد بررسی قرار می گیرد، نخست جنبه وجودی و هستی شناسی آن، که مربوط به خود علم بوده و به بحث از سنخیت علم و... می پردازد و هیچ ارتباطی با واقع ندارد و دوم جنبه حکایت گری علم و معرفت است که در این حالت، که ارتباط علم با واقعیت و مطابقت با آن و... مورد نظر است. بخش اول برعهده ی «هستی شناسی معرفت» و بخش بعدی که محل بحث ماست، برعهده «معرفت شناسی» است. از این رو می توان معرفت شناسی را به دو دسته کلی تقسیم نمود.^۱

^۱ -کانت، ایمانوئل، (۱۳۶۲) سنجش خرد ناب، ترجمه میرشمس الدین ادیب سلطانی، انتشارات امیرکبیر، ج ۱ ص ۷۳-۸۰.

معرفت شناسی پیشینی : این نوع مربوط به پیش از تجربه و قبل از مقام تحقق است که بحث در وجود ذهنی و ادراکات می کند و فقط به بررسی ذهن آدمی می پردازد و در آن توجه ای به اینکه علم در خارج چگونه به وجود آمده و رشد کرده نمی کند.

معرفت شناسی پسینی : این نوع مربوط به پس از تجربه که پس از تولد معارف بشری شکل می گیرد و وجودش بسته به وجود رشته های علمی مختلف است. اگر نگاهی به مباحثی که در معرفت شناسی مطرح است بیندازیم خواهیم دید که محور مرکزی همه ی مسائل آن، علم و معرفت است. درباره ی اینکه منظور از علم و معرفت چیست بین معرفت شناسان اسلامی و غربی اختلاف نظر وجود دارد، مراد از آن نزد حکماء اسلامی «مطلق علم و آگاهی» است که البته دارای مراتبی است و بالاترین درجه آن یقین می باشد،^۲ ولی مقصود معرفت شناسان معاصر غربی از معرفت، علم و آگاهی است که آن را «باور صدق موجه» تقسیم می کنند، طبق نظر نخست، معرفت اعم از مفاهیم (تصورات) و گذاره ها (تصدیقات و قضایا) است ولی طبق نظر دوم معرفت فقط شامل گزاره ها می شود.^۳

۱-۲-۲ ادراک

در فلسفه اسلامی گاهی از ادراک به انتقاش نفس به صورتی که از اشیاء حاصل می شود، تعبیر می کنند. این نوع ادراک جنبه انفعالی داشته و صورت حاصل را در نفس، کیف می گویند. حکما هرگونه دریافت و برخورد حسی و ذهنی را ادراک گویند. میرسیدشریف در تعاریف خود، ادراک را این گونه تعریف نموده است: «احاطه الشئ یکماله». این تعریف بسیار جامع است زیرا شامل احاطه حسی، ذهنی، عقلی و همه اقسام آن می شود. شیخ اشراق در تعریف ادراک می

۱- مصباح، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۵۵

۲- صدرالمتالهین، محمدبن ابراهیم شیرازی، (۱۹۸۱م) الحکمة المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث، ج ۳، ص ۵۰۷

۳- حسین زاده، محمد، (۱۳۸۲) پژوهشی تطبیقی در معرفت شناسی معاصر، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، چاپ اول، ص ۴۷-۴۸

گوید: «ادراک آن است که مدرک صورت مدرک به خویشتن پذیرد»^{۱۰} ملاصدرا در کتاب های خود تعاریف متعددی آورده است. از جمله آن تعاریف این است که: ادراک عبارت است از تمثیل صورت مدرک در مدرک. «الادراک عبارة عن الصورة المدرکه»^۳ «الادراک عبارة عن الحصول صورت [الشیء] للمدرک»^۴ «ادراک شیء یعنی حصول نفس آن شیء»^۵. حکما هر گونه دریافت حسی و ذهنی را ادراک می گویند، خواه چیزی که ادراک شده در حس یا خواه در ذهن و عقل حاصل گردد و به همین جهت آن را به حسی، تخیلی، توهمی و تعقلی تقسیم می کنند.

۱-۲-۳ مراتب ادراک

قوای ظاهری ادراک زمینه ادراکات حسی و قوای باطنی آن زمینه تعقل را فراهم می کنند. انواع ادراک عبارتند از: احساس، تخیل، توهم، تعقل

۱-۲-۳-۱ حس

بنابر اعتقاد ملاصدرا، اولین مرحله ادراک، ادراک حسی یا احساس نامیده می شود. احساس عبارت است از ادراک شیء موجود در ماده ای حاضر در نزد قوه مدرکه (نفس) با هیات مخصوص به خود همراه با زمان و مکان، کم و کیف، وضع. آن چه عمل احساس بر آن واقع می شود و محسوس بلذات قرار می گیرد صورت ادراکی آن است نه خود آن شیء «فعلم ان حقیقه الاحساس هی حضور الصورة الجزییه لاتاثر الاله بها و لا انطباع الصورة فیها»^۶.

۱- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۷) الاحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ترجمه محمدخواجوی،

تهران، مولى، ص ۳۶۱

۲- همان، ص ۳۶۰

۳- همان، ص ج ۸، ص ۲۴۱-۲۳۵

۴- همان، ج ۸، ص ۲۵۹

۵- همان، ج ۳، ص ۲۹۳

۶- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۷) الاحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ترجمه محمد خواجوی،

تهران. مولى، ج ۱، ص ۲۸۹

حقیقت احساس حضور صورت جزئی در نزد مدرک است. نه تأثر آلت ادراکی و انطباع صورت در آلت ادراک». او در تعریف احساس چنین بیان می دارد «الاحساس انما يحصل بان یفیض من الواهب صوره ادراکیه يحصل بها الادراک». احساس به افاضه صور ادراکی از جانب واهب صور (عقل فعال) حاصل می شود که به وسیله این صورت ادراکی است که ادراک حاصل می شود. بنابراین مدرکات قوای مدرکه ظاهری که همگی صور جزئی می باشند، احساس نامیده می شوند. ویژگی های احساس عبارتند از :

۱-حضور ماده در نزد آلت حس

۲-همراه بودن و احاطه هیئت ها (زمان و کم و کیف وضع)

۳-جزئی بودن مدرک

۱-۲-۳-۲ خیال

دومین مرحله ادراک را، ادراک خیالی یا تخیلی گویند. تخیل عبارت است از ادراک شیء با همان هیئت مذکور همراه با زمان و مکان و کم و کیف و وضع مخصوص، یا به عبارت دیگر تخیل یعنی ادراک صور جزئی در عالم خیال، تخیل پس از مرحله احساس انجام می شود یعنی زمانی که احساس انجام می گیرد و صور به حس مشترک و خیال منتقل شد در خیال حفظ و نگهداری می شود، چنانچه بعداً این صور مورد مشاهده و ادراک قرار گرفت و یا اینکه در آنها تصرف شد، به این عمل تخیل گفته می شود. بنابراین تخیل را باید به حس مشترک و قوه متصرفه نسبت داد نه خیال، تخیل دارای دو ویژگی است :^۲

۱-همراه بودن شیء متخیل با « کم ، کیف ، وضع ، این و متی »

۲- جزئی بودن متخیل

۱- همان، ج ۸، ص ۲۰

۲-دهباشتی، مهدی، (۱۳۸۶) پژوهشی تطبیقی در هستی شناسی و شناخت ملاصدرا و وایتهد، تهران، علم، ص